

ایران و اسلام

در نشریه آلمانی زبان اشپیگل

آنچه در این صفحات نوین یاد از نظر خوانندگان می‌گذرد، نمونه‌ای است از مقالات مندرج در مجله اشپیگل. موضوع کلی این مقاله و دیگر مقالاتی که فهرست و نمونه‌هایی از ترجمه آنها را در شماره‌های آینده خواهید دید، ایران و اسلام است. هدف از ترجمه و طبع و نشر این سلسله مقالات، گردآوری همه منابع لازم برای تحقیق در باب تاریخ انقلاب اسلامی ایران است. امید که محققان را این اقدام سودمند افتد و یادآوران برداشتن گام‌های دیگری را توفیق یابند.

اشپیگل، شماره ۴۸، سال ۱۹۴۹

احساس می‌کنم که در خانه خویش هستم . . .

«امشب راحت خواهم خوابید؛ خوابهای خوش خواهم دید؛ چون احساس می‌کنم که در خانه خویش هستم.»

این نخستین کلامی بود که شاه ایران، در برابر خبرنگاران و گروه استقبال‌کنندگان آمریکایی در فرودگاه واشنگتن گفت. . . . محمدرضا پهلوی، ظریف‌تر و زیباتر از این، نمی‌توانست احساسات مشرق‌زمینی خود را به منظور سپاسگزاری از میزبانان آمریکاییش ابراز کند. آنان با شلیک ۲۱ تیر توپ به نشانه احترام و پدید آوردن دالانی از میان دویست هزار نفر از اهالی واشنگتن که روبه‌روی یکدیگر، برای گذر شاه ایران ایستاده بودند، از وی استقبال کردند. هواپیمای خصوصی «ترومن» به نام Independent شاه ایران را از تهران به واشنگتن آورده بود.

نخستین بار بود که پادشاهی از خاورمیانه، برای بازدید به آمریکا می آمد. برای مقامات آمریکایی دعوت از شاه و اقامت چهل روزه اش در آمریکا، ارزش و مفهوم یکسانی با بازدید بیست روزه «پاندیت نهرو» نخست وزیر هندوستان نداشت. موضع کلیدی و استراتژیک ایران، واقع در مرزهای جنوبی شوروی، همسایگیش با ترکیه، سطوح اراضی مرتفع این کشور که برای احداث فرودگاه ارزش فراوان دارد، منابع غنی نفت و نزدیک بودن به مخازن نفتی زیرزمینی خاورمیانه، از عوامل و پدیده های عمده طرح کلی و فراگیر آمریکا به شمار می رود؛ تا آنجا که «آچسن» وزیر امور خارجه اظهار داشته است: «امنیت ایران با امنیت ایالات متحده آمریکا رابطه ای مستقیم دارد.»

اما از دیگر سو، سفر شاه برای سروصورت دادن به اقتصاد کشورش و دست یازیدن به اصلاحات لازم و ضروری کشاورزی و آموزش و پرورش، در سرزمینی که هنوز نود درصد مردم آن بی سواد هستند، دارای اهمیت خاص است. چون برای انجام اقدامات فوق، ایران نیاز شدید به سرمایه آمریکایی دارد. پیشنهاد جالب توجه شاه، مبنی بر طرح یک برنامه عمرانی هفت ساله به منظور صنعتی کردن ایران، رونق دادن به کشاورزی، احداث تأسیسات آبیاری، بنادر، جاده و شبکه راه آهن، هزینه ای برابر ششصد و پنجاه میلیون دلار را دربر می گیرد. شاه برای رسیدن به هدف خود، در نظر دارد با ترومن و دولت آمریکا قرارداد «معامله شرافتمندانه ای» منعقد سازد.*

سال پیش، شاه در اروپا به جست و جوی منبع پول - گویا این تلاش ناکام ماند - برآمده بود. او که به عنوان میهمان، چندگاهی در کاخ «بوکینگهام»، «که دورسه» و «واتیکان» اقامت گزیده بود، خود را یک بار چنین معرفی کرد:

«من به اصطلاح شاه ایران هستم؛ ولی قدرتی کمتر از یک فرد عادی در جهان دارم. خوشحال می شدم اگر حتی نیمی از قدرت پادشاه سوئد از آن من بود...»^۱

این لحن «هاملت منشانه»^۲ مردی که اسباب خوشبختی، ثروت و خواسته ای را در اختیار خود دارد که کمتر کسی در جهان داراست، در دیگران چندان مؤثر نیفتاد. اما شاید حاکی از این بود که فرمانروای سی و یک ساله ایران، ظرف مدت هشت سال حکمرانی خود، با زیرکی و فراست دریافته باشد که از اختلافات حاکم بین ابرقدرت ها، می تواند امتیازاتی برای کشورش فراچنگ آورد. نشریه جهان هفته چاپ زوریخ نوشته است: «شاه که خود را مانند داریوش، شاهنشاه، به معنای شاه شاهان می خواند، شاید بتوان گفت «صورتکی است سوررئالیست، در دنیای

او بر سرزمینی فرمان می راند که از نظر مساحت، سه برابر خاک فرانسه است؛ کشوری که از لحاظ تولید نفت مقام چهارم را در دنیا داراست و شاید مقدار مواد خام آن بیشتر از آمریکا باشد.

شاه، علی رغم شکوه‌ها و گلایه‌هایی که با لحنی شاعرانه ابراز می کند، از آن دسته صورتک‌هایی است که در عرصه سیاست جهانی، نمی تواند دیگران را به خود جذب کند. از شانس و اقبال خویش به گونه‌ای سرد، روشن و کاملاً بدون احساس استفاده می کند؛ با اینکه نحوه ابراز سپاسگزاری از میزبانان آمریکایی، حالتی مشرق‌زمینی داشت، اما شخص وی به هیچ وجه خلق و خوی مشرق‌زمینی ندارد.^۴

محمدرضا پهلوی در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود در ایالات متحده آمریکا مغرورانه ادعا کرد: «من يك پادشاه کارگر هستم.»

او اظهار داشته است که منظور از «سلطان مشرق‌زمینی» را نمی داند (چند روزنامه آمریکایی این عنوان را به شاه ایران داده بودند). يك نشانه «سلطان مشرق‌زمینی» این است که بر دستارش بایستی جواهراتی مانند یاقوت و زمرد بدرخشد و افزوده است: «می بینید که کت و شلوار ساده‌ای به تن دارم و این لباس پادشاهی است که با معضلات و مشکلات يك کشور سلطنتی مدرن دست‌وپنجه نرم می کند.»

این کشور سلطنتی مدرن، ۲۵ سال پیش به وسیله رضا پهلوی مهتر (سنیور)، به کمک شمشیر قزاقان ایرانی بنیان گذارده شد.

پدر شاه از فرماندهی بریگاد قزاق روسها - پس از ناتوان شدن سلسله قاجاریه - به مقام بلند حکومتی، یعنی «سردار سپه‌ی» رسید. سپس مجلس شورای ملی، لقب «پادشاه ایران» را به وی اعطا و سلطنت را در خاندان او موروثی کرد.

این پادشاه جدید و پرکار، خیلی زود به يك «سلطان مستبد‌الرأی مشرق‌زمینی» تبدیل شد و برای رسیدن به قدرت، از انجام هیچ کاری هراس نداشت. به طوری که وقتی يك خبرنگار فرانسوی به خود پروای بی ادبی نسبت به او داد و با واژه «شاه» که در زبان فرانسه «گره» (chat) معنی می دهد، بازی لفظی کرده بود، رضاشاه روابط دیپلماسی ایران با فرانسه را برای مدتی قطع کرد، تا اینکه پس از عذرخواهی بسیار، فرانسوی‌ها توانستند دوباره، دل این حاکم مستبد آسیایی را به دست آورند و نرمش کنند.^۵

يك بار نيز يك كارشناس اروپايی آمار، ضمن سرشماری جمعيت ايران به اين نتيجه رسيده بود كه سکنه این کشور، حدود ۹ ميليون نفر است. رضاشاه وقتی اين ادعا را شنيد، با پرخاش و عصبانيت گفته بود: «سرزمینی که من بر آن حکم می رانم، نبايد کمتر از پانزده ميليون نفر جمعيت داشته باشد.»

آمارگر مزبور که از رضاشاه ترس بسیار داشت، نتيجه سرشماری خود را تصحيح کرد و نوشت: «ايران دارای ۱۵ ميليون نفوس است.» و از آن زمان، اين رقم در مراکز رسمی آمار جهان ثبت شده است. با وصف تمام اين کارهای عجيب و غريب، شاه مسن ايران توانست با تردستی و اعجاز، دودمان سلطنتی و کشور خود را از گزند رویدادهای سياسی زمان دور نگاه دارد. تنها در گيرودار جنگ دوم جهانی بود، که به سبب دوستی و ارتباط نزديک با ديکتاتورهای اروپا، يعنی هیتلر و موسولینی، مجبور شد از تاج و تخت چشم پيوشد و کنار رود. عامل اين اجبار، خواست دو قدرت خارجی، شوروی و انگلستان بود که روابط تنگاتنگ با يکديگر داشتند.

شاه فعلی ايران در آن زمان، بيست و دو سال داشت و می بايست با چنين وضع و موقعی بحرانی درگير شود. درست است که انگلیسی ها نقش مؤثري در اخراج رضاشاه از ايران داشتند، ولی افسران انگلیسی فوراً با وارث تاج و تخت ايران تماس و رابطه برقرار ساختند. زیرا: او جانشين قانونی پدرش بود و حداقل از نظر حقوقی رسميت داشت و می توانست بحران های سياسی داخلی را، که می رفت خطرناک شود، مرتفع سازد.

باتوجه به اینکه اشغال ايران به وسیله قوای متفقين، حساسيتی برای اتحاد جماهير شوروی ايجاد کرده بود و امکان داشت عکس العمل شوروی سبب تشديد اين بحران شود، بنابراین وجود شخصيتی که بتواند به اوضاع سروسامان دهد، ضروری می نمود.

پادشاه جديد ايران نيز مانند پدرش، بخردانه می انديشيد و به اختلافات عميق، اما در عين حال پنهانی انگلستان و شوروی کاملاً آگاه بود. پس می بايست از وجود اختلافات مزبور، به سود خود و کشورش بهره برداری کند. او که به زبان های انگلیسی، فرانسوی، روسی و آلمانی آشنايی داشت و در زمان تحصيل در مدرسه ای واقع در کنار درياچه ژنو اين زبانها را آموخته بود، توانست از اين امتياز استفاده کند و به انجام معاملات سياسی بپردازد و با کامیابی بر دشواریها و مشکلات فایق آيد.

تهدیدهای پیاپی روسها که پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد، شاه ایران را وادار کرد تا به «اردوی غرب» رو کند. او امروز، هم پیمان ابرقدرتهای غربی است؛ منتها، هم پیمانی که قدر و اعتبار خود را می شناسد. وقتی موضع خود را با بهره بردن از پشتیبانی غرب استحکام بخشید، آن گاه توانست روسها را از تصمیم خود نسبت به بهره برداری از میدانهای نفتی ایران بازدارد و درضمن، با استفاده از همین فرصت، توانست درآمد بیشتری را از شرکتهای نفتی انگلستان نصیب کشورش کند.

«آوای تخت طاووس» در تهران، که تا چندی پیش، از پشت در اتاقهای سلاطین خارجی نفت، به زحمت شنیده می شد، امروز بیشتر مورد اعتنا قرار گرفته است و به آن بها داده می شود.

محمد رضا پهلوی اکثر اوقات مانند «میخائیل» شاهزاده رومانی - او تنها شاهزاده ای بود که هواپیمایش را شخصاً هدایت می کرد - با هواپیمایی که خود خلبان آن است، برفراز چاه های نفت کشورش پرواز می کند. پس از جدایی از ملکه فوزیه، خواهر ملک فاروق پادشاه مصر، تنها سرگرمی شاه ایران در اوقات استراحت و بیکاری، پرواز با هواپیماست. شاه نوزده سال داشت که با این شاهزاده سیه چشم مصری ازدواج کرد، و حاصل آن تولد دختری بود که شهناز نام دارد و مورد علاقه شدید شاه است. شاه فرزند ذکور ندارد که وارث تخت و تاج ایران شود؛ اما او هنوز آن قدر جوان هست، که در اردوگاه غرب، کسی نگران آینده او نباشد. وقتی خبرنگاران کنجکاو آمریکایی از وی پرسیدند: «آیا در آمریکا به جست و جوی همسری برای خود خواهد پرداخت یا نه؟»، شاه با خنده ای جواب داد: «تصور نمی کنم که این کار، به هنگام يك بازديد رسمي، عمل موجهی باشد.»

رتال جامع علوم انسانی

(*) براساس قراردادی که در سال ۱۹۴۸ میلادی بین آمریکا و ایران بسته شد، این کشور مبلغ بیست و شش میلیون دلار از آمریکا وام گرفت. اندک مدتی بعد برپایه «طرح کمکهای نظامی آمریکا» ایران نیز همراه با کره و فیلیپین، در بیست و هفت میلیون دلار کمک نظامی آمریکا سهیم شد. تنها در ایران پنجاه نفر مستشار نظامی آمریکایی، برای اصلاح و اداره ارتش ایران به کار اشتغال دارند. يك هیئت مستشار آمریکایی نیز مشغول آموزش ژاندارمهای ایرانی است.

۱) پادشاه سوئد مطلقاً حق مداخله اداری و سیاسی در هیچ يك از امور را ندارد، و صرفاً يك مقام

تشریفاتی است.

۲) «هاملت» یکی از قهرمانان درامی به همین نام از شکسپیر شاعر و نویسنده نامدار انگلیسی است.

۳) هنوز در آن زمان (۱۳۲۸ خورشیدی) محمدرضا خود را «جانشین برتر از کوروش و داریوش» معرفی نکرده بود. ولی آن نویسندگان زبردست آلمانی او را خیالیاف و دیوانه مالیخولیایی می شناخته اند که معتقد به حلول روح و شخصیت داریوش در وجود خودش بوده است. - یعنی بیست سال قبل از آنکه محمدرضا پهلوی در تخت جمشید چنین ادعایی را علنی کند، این نویسندگان از این روحیه خیالیافانه محمدرضا پهلوی مطلع بوده و آن را فاش کرده بوده اند.

۴) شاید بتوان مهمترین عامل سقوط محمدرضا پهلوی را در همین نکته دانست که او به کلی با مشرق زمین بیگانه بود.

۵) قطع رابطه ایران و فرانسه در زمان رضا پهلوی به این علت بود که يك روزنامه فرانسوی نوشته بود: «در ایران حیوان عجیب الخلقه‌ای پیدا شده که خوراکش زمین است...» و سپس تشریح کرده بود که چگونه رضاخان اموال و املاک مردم ایران را به زور می گیرد و به نام خودش ثبت می کند.

۶) محمدرضا پهلوی عربی هم می دانست، زیرا از ابتدای جوانی، فوزیه خواهر پادشاه مصر، همسر اولش بود.

تاریخ شفاهی ایران

چندی است سازمان «سها» با واسطگی دانشگاه هاروارد طرحی بنام «تاریخ شفاهی ایران» را به اجرا گذارده است. در این طرح تمامی خاطرات و اسناد کسانی که به نحوی در رژیم گذشته دست‌اندر کار پستهای حساس بوده‌اند و نیز آن عده از افرادی که روزهای انقلاب را از دیدگاه رژیم گذشته لمس نمودند، ضمن مصاحبه در نوارهای ضبط صوت، ضبط و به ظاهر در دانشگاههای هاروارد و کسفورد آرشیو می‌شود. دکتر حبیب لاجوردی سرپرست طرح تاریخ شفاهی ایران طی مصاحبه‌ای با رادیو بی‌بی‌سی در مورد این طرح اظهار داشته است: «اصولاً این طرح به منظور جمع‌آوری خاطرات سیاسی تهیه شده است. ابتدا موضوع طرح از جانب یکی از تاریخدانان آمریکایی پیشنهاد شد. پس از فراهم کردن مقدمات کار، کارها در پاییز ۱۳۶۰ آغاز گردید و در این مدت ما دقیقاً با ۱۲۶ نفر مصاحبه کرده‌ایم. به عنوان مثال محمود فروغی سفیر ایران در آمریکا، احمد میر فندرسکی سفیر ایران در مسکو... و همچنین دونفر انگلیسی، آقای دنیس رایبت که سفیر بودند در ایران و آقای پتروگاردن که مدتی در ایران سفیر بودند در زمره کسانی بودند که با ایشان مصاحبه به عمل آمده است.»

کیهان، پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۶، شماره ۱۳۱۷۵

نگارش تاریخ‌شناسی ایران توسط دانشگاه‌ها روارده

رادیو بی‌بی‌سی ساعت ۲۲ - ۶۶/۶/۱۵

ضبط دقیق خاطرات افراد دبویزه کسانیکه عمری و تجربه‌ای از سرگذرانده‌اند یکی از مصالح اساسی کارنگارش تاریخ‌شناسی است. در این زمینه مورخین ایرانی و غربی هم دست‌بیکار شده‌اند و از چند سال پیش دانشگاه‌ها روارده آمریکا طرح‌ها شروع کرده‌است تحت عنوان تاریخ‌شناسی ایران که با نیرو سرپرست آن دکتر حبیب‌الاجوردی است. امروز در باره چندچون این طرح‌ها و مصالحه‌ای کردیم و مقدمتاً ۳ را و خواستیم که در باره تاریخچه این کار شرح بدهد:

(باصدای ملی) عرض کنم به خدمت شما که در باره شیز ۱۳۵۹ بود که من همکارم را با دانشگاه‌ها روارده‌ام زکرم، در آن موقع یکی از تاریخ‌دانان اینجا این فکر به نظرش رسید که الان یک فرصت خیلی مناسبی است که خاطرات دست‌اندرکارهای سیاسی در ایران و کسانیکه سرکار بودند و در دوره پهلوی اینها قبل از اینکه فراموش شود اینها روی‌نووار ضبط بشود و برای ریشود دانشگاه حفظ بشود چون فرضی این بود که کمتر کسی از این‌ها فرصت خواهند کرد که بنشینند و در خاطراتشان بنویسند که البته این یک فرصت صحیحی هم بود پس از فرا هم‌کردن مقدمات کار اینکارها در باره شیز ۱۳۶۰ که معادل ۱۹۸۱ میشود آغاز شد.

س - خوب در این مدت شما حدوداً "با چند نفر صحبت کردید و در خاطرات خود ضبط

کردید؟

ج - در این مدت ما دقیقاً "با ۱۲۶ نفر مصاحبه کردیم یعنی هم‌که می‌گویم دقیقاً" این هستند که اتفاقاً "این مصاحبه‌ها با من در موقعی صورت می‌گیرد که این طرح تکمیل شده و به اصطلاحاً تمهیدات این است این است که از این نظر من میتوانم عدد‌های بی‌شماری می‌دهد عدد‌های دقیق و به اصطلاح آنها بی‌باشد ۱۲۶ نفره

س - این عدد‌های که شما با آنها صحبت کردید آیا همه سیاستمدارانند؟

ج - اینها اصولاً همه کسانی هستند که بنحوی از آنها "با بهر حال ارتباط پیدا می‌کردند بنا بر این میشود گفت که این طرح اصولاً "بسیار جامع‌تری از خاطرات سیاسی بوده. بلکه

س - ولی آیا مثلاً "فرض بکنید که با نویسندگان ما صحبت نام ایرانی‌ها بولتن‌ها دیو‌ها بیگانه

(۱۶)

اهل هنروا هل فرهنگ هم که مستقیماً " به اصطلاح در سیاست کارینداشتند آیا شما پساً
اینها هم صحبت کردید ؟

ج - مقال خوبی مرعوم سا عدی است که البته بشون در مورسیا سسی
نبودند ولی خوب نما بشنا مه پشان و مطالبی که میگفتند مسلم جنبه سیاسی داشته و یکی
از مواجبه های خیلی جالبی که انجام شده با اینون هستش ؟

س - میشود که منبأ ب نمونه اسم یکی دو نفر دیگر هم که شما با آنها صحبت کردید
برای ما بگوئید ؟

ج - بله من میتوانم که بعنوان مثال کسانی که در سورسیا دیپلما تیسک
ایران بودند اسم ببرم و در ضمن نشان بدهم که چطور اسمی کردیم که انواع به اصطلاح گروهها و
نظرات سیاسی و خاطراتش را نگاهداری کرده باشم در همین گروهی که ذکر کردم گروه کما نیکه
به اصطلاح در سورسیا وزارت خارجه بودند و هستند آقای میر خسرو افشار که در دوره آخر
وزیر بودند آقای محمود فروغی که سفیر ایران در آمریکا بودند یک زمانی آقای عدم میر
فندرسکی که مدتی سفیر ایران در مسکو بودند و آقای سعید رجا بی خراسانی که اکنون نما بنده
جمهوری اسلامی در سازمان ملل هستند و همچنین دونفر انگلیسی آقای دینیرایت که سفیر
بودند در ایران و آقای بهتروگان دن که مدتی در ایران سفیر بودند -

س - پس از این مصاحبه ها به اصطلاح محدود نمی شود به شخصیت های ایرانی
شخصیت های غیر ایرانی هم که به نحوی از انحاء با ایران مربوط بودند شما با آنها
مصاحبه میکنید ؟

ج - بله اینکار را ما کردیم ولی از ۱۲۶ نفر شا به حدود ۶ نفر شا نباشند
که ایرانی نیستند و البته میشد با تعداد بیشتری مصاحبه کرد ولی با امکانات محدودی که
ما داشتیم چه از نظر مالی چه از نظر زمانی فکر کردیم که خارجیها با لافره گزاران تیروزانه
وما هبانه شان نوشته اند و در آرشیه های وزارتخانه ها پشان ضبط شده و با لافره در یک
مرحله ای در اختیار ما رجین قرار میگیرد ولی برانیا هستند که گزارشها بی که واقعا گو-
بای کارها پشان نباشند تا بهتیه نکرند و بعد هم معلوم نیست که اگر هم باشد بدست کسی میرسد
با نه این است که ما تا کیدانگانا شما را گذاشتیم روی شخصیت های ایرانی -

س - میشود مثلاً چند نمونه دیگر ذکر بکنید از انواع دیگر شخصیت های ایرانی
که شما با آنها صحبت کردید ؟

ج - نظاً میها مثلاً "با تیمسار جم مصاحبه شده ، با تیمسار رحیب الهی مصاحبه
بولتنرا دیوها ییگانه

(۱۲)

شده عرض کنم خدمت شما کسانى که توى نما لبتهای و سبای سى بودند مثلاً ۳ تا ۴ قریب سدان کشا ووز یک زمانى عضو حزب توده بودند بیا بشون ماما حبه شده بیا آقاى مسعود رجوى ماما حبه شده بیا آقاى بنى مدرما حبه شده مثلاً "یکى زکسا نجا لسی که باها شون ماما حبه نشد آقاى حمیدقا جا رهست که بسبر برا در احمد شاه هست که این شخص خوب از سن کودکی از ابرا نجا رچ شده بود و در پسی دورا نسلطنت پهلوی غب در ابرا نجا مدو شده است و رفت و آمد داشت و خیلی جالب بود که از دید یک همچین شخصی تا ریخ به اصطلاح با زگو شد.

س - آبا از اهل خا ندا نپهلوی هم بیا کسی صحبت کردید ؟

ج - متاسفانه بیا تمام کوششى که ما کریم موفق نشدیم که هیچ کسی از اعضاء خا ندا نپهلوی بیا ماما حبه کند و شایه بدیكى علتش این بود که طرح پیدا ری در شهر و انگتس که خانم مهنا زانخصی که وزیر زنا نبودند در یکی از کا بینه های آرد و ریه پهلوی بشون اداره اش میکنند و فکر کنم که کسانى که بخوا هند بیه ماما حبه این گروه استفا ده بکنند بیا بست به آرشو آنها را جعه کنند.

س - آبا کلیه این ماما حبه ها حالاً در دستر بیه تحقیقین هست ؟

ج - این ماما حبه ها طبیعى است که چون دا ننگاه ها روا رده با اصطلاح بیا نیا بسن طرح در امریکا بود نسخه ای از تما منوارها و متنما شین شده این نوارها که حدود ۱۷ هزار صفحه میشود و اندیكى که حدود ۶۰۰ صفحه میشود اینها همه در آرشو دا ننگاه ها روا ردموجود است و کسانى که دسترسی به کتا بها شده اند یعنی کاترت و روید ا رندا مکا نا استفا ده از اینها را دارند همچنین در ظرف ما آه بنده یک نسخه از تما م این نوارها و متنما شین شوا آنها در کتا بخانه بادکن دا ننگاه آکسفورد نگهداری خواهد شد و تقریباً " ۶۰ درصد این خا طرات از هم اکنون قابل استفا ده است و بیا برا بیهیج نوع محدودیتی روی آنها گذا شته نشده آن ۴۰ درصد بقیه بیا نقل قول از مطالب احتیاج بیا جا زه روا بت کنند دا ردو بیا یک تعداد سال محدودیت گذا شتند مثلاً گفتند تا سه سال دیگر تا پنج سال دیگر کسی حق استفا ده ندا ردیک ۱۰ ۱۲ نفرى هم هستند که در مدتها نشان جا زه ندا دند که کسی بیا این خا طرات دسترسی پیدا کند که البته تما م اینها محترم شمرده میشوند و بیه ترتیب عمل خوا هدد.

س - آبا اینها فقط بصورت ماده خام تاریخی است یا اینک دا ننگاه

ها روا رد بمددا رد که اینها را تحلیل هم بکنند ؟

ج - نخیر اینها فقط بصورت ماده خام است و اینست که دهها و شایه سد در ظرف سالها بیا بنده ماما حبه بیا بید و نقطه نظرها مختلفاً اینها را تحلیل بکنند و انشا الله دهها مقاله و کتا ب و رساله دکتر ا برا ما س قسمتى از این خا طرات تهیه بشود.

بولتنرا دیوها بیا سگا شه

(۱۸)

«تاریخ شاهی ایران» در آمریکا نوشته شد!

پروژه تاریخ شاهی ایران که از ۵ سال پیش در دانشگاه هاروارد آغاز گردیده، آماده بهره‌برداری شده است. دانشگاه هاروارد با اختصاص مبلغ قابل توجهی در ۱۹۸۲ تصمیم گرفت که با افراد موثر رژیم سابق که در قید حیاتند، پیرامون کیفیت آن رژیم و نقش آنها در تصمیم‌گیریهای مختلف سیاسی، اقتصادی نظامی و فرهنگی معامحه بعمل آورده و مجموعه این معامحه‌ها را گردآوری نماید. مسئول پروژه پلک ایرانی بنام دکتر لاجوردی میباشد.

معامحه‌های مورد نظر در دو مرحله انجام گرفته است. در مرحله اول، به معامحه شونندگان اجازه داده شده که هر چه میخواهند نقل کنند و چارچوب بخصوصی تعیین نشده بود. در مرحله دوم، بر اساس آنچه معامحه‌شونندگان در معامحه اول خود مطرح کرده‌اند، سئوالاتی تنظیم شده و آنها به آن سئوالات پاسخ گفته‌اند. در سئوالات مرحله دوم وقایع و تصمیمات صحنی که معامحه شونندگان در آنها نقش داشته‌اند، مدنظر قرار گرفته است.

معامحه‌ها بر اساس خواست معامحه شونندگان به فارسی و یا به انگلیسی انجام گرفته است. از ۱۲۶ معامحه فقط ۱۲ معامحه به فارسی است. طول زمان معامحه‌ها بین ۱۵ ساعت تا ۴۳ ساعت میباشد. معدل طول معامحه‌ها برای هر معامحه شونده ۶/۴ ساعت میباشد.

از ۱۲۶ نفری که تا آنها معامحه بعمل آمده، ۲۵٪ به شاهیه اجرائی حکومت سابق اختصاص یافته که شامل وزرای کابینه میشود. ۲۲٪ از معامحه شونندگان در قوه مقننه و احزاب سیاسی (علنی و زیرزمینی) متعلق داشته‌اند. ۱۵٪ از معامحه شونندگان افسران نظامی و امنیتی، ۱۳٪ نویسندگان سیاسی، اساتید دانشگاه و روزنامه نگار، ۶٪ صاحبان بخش خصوصی، ۶٪ اعضای دربار، ۵٪ افراد قوه قضائیه و ۴٪ دیپلمات میباشد، ۱۰ نفر از معامحه شونندگان یعنی ۸٪ آنها باز هستند.

۲۴٪ از معامحه‌ها در فرانسه، ۱۲٪ در منطقه واشنگتن دی. سی، ۱۲٪ در انگلستان، هائیتی و اطروش انجام گرفته است. هر چند که انجام معامحه در ایران امکان پذیر نبوده، اما در مواردی که بعضی از افراد از ایران بخارج مسافرت کرده‌اند، با آنها معامحه بعمل آمده است. برای نوارهای معامحه اندیکس

تهیه شده است. علاوه بر نوار هم بطور جداگانه اندیکس دارد. ۶۰٪ از معامحه‌شونندگان هیچگونه محدودیتی برای استفاده از معامحه خود، مطرح نکرده‌اند. ۱۴٪ از معامحه‌شونندگان استفاده از معامحه خود را محدود به بعد از مرگ خود کرده‌اند و بنا بر این در طول حیات آنها قابل استفاده نخواهد بود. ۱۰٪ از معامحه شونندگان نقل قول از معامحه خود را منوط به اجازه از آنها کرده‌اند. در آینده نزدیک، کپی نوارها در اختیار کتابخانه دانشگاه آکسفورد قرار خواهد گرفت. نوارهایی که معامحه شونندگان آنها محدودیتی برای استفاده از آنها قائل نشده‌اند، در حال حاضر در دانشگاه هاروارد واقع در کمبریج در ایالت ماساچوست در دسترس محققین قرار دارد.

ملاحظه:

باتوجه به خبر فوق که حساسیت غربیان را به مسائل اساسی نشان میدهد و مستر از آن وجود مراکز و موسسات تحقیقی خاصی میباشد که در هر موضوع کوچک و بزرگ تحقیق میکنند، اصولاً در جهان امروز فراگرد تاثيرگرزای بسک موضوع بر موضوعات دیگر جریان بسیار پیچیده‌ای را طی میکنند که بدون مطالعات دقیق و مستمر متخصصین امکان درک و تفهیم و تاثيرگرزای بر آن میسر نخواهد بود.

از این رو لازم است حرکت آگاهانه و نیرومند هر نظامی بر خورداری از مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی است که بطور مرتب در زمینه‌های مختلف به مطالعه و تحقیق و تفحص پرداخته و آخرین تحولات و دستاوردهای علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی را زیر نظر داشته باشند.

عدم وجود چنین مراکزی جزء ویرانگی و باعزل زندگی نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. متأسفانه جامعه مادر حال حاضر با کمبود این مراکز و موسسات روبروست. ایجاد و تقویت این گونه مراکز نیاز حیاتی و اساسی حکومت اسلامی و جامعه میباشد.

اجداد مراکزی که صرفاً "بکار تحقیقات بهداشتی - صبری ویس توجی و روبروشده است، در حالیکه در موقعیت حساس جامعه امروزی امری لازم و ضروریست. آنها بجان نبود خودمان تاریخ معاصر کشورمان را تدوین نمیگردیم؟